

نه خصوصی، نه دولتی، کنترل کارگری!

در حاشیه اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه

مازیار رازی

MarxLeninTrosky



متن پیاده شده بخشی از سخنان مازیار رازی در تالار مارکسیسم انقلابی- ۱۲ آذر ۱۳۹۷

با درود به رفقای حاضر

بحث امروز در ادامه بحث هفته پیش، در مورد تحولات اخیر در هفت تپه است؛ اینکه تحولات اخیر به کجا کشیده، مطالبات کارگران در شرایط کنونی باید متمرکز بر چه محوری باشند و چگونه تکامل یابند. تحولات اخیر را به دو بخش می توانیم تقسیم کنیم:

اول، بخش امور سازماندهی و تشکیلاتی کارگران و این که گام های آتی چه باشد. دوم، موضوع سیاست های عمومی و یا خط سیاسی کارگران و مشخصاً مطالبات کارگری چه باید باشد؟ در مورد امور سازماندهی، آنچه باید توجه داشت این است که رژیم ایران همانند هر رژیم سرمایه داری، از ترفندهای مختلفی برای شکستن اعتصاب استفاده می کند. اولین ترفند آنها سرکوب و ارباب و غیره است. اما صرفاً به سرکوب اکتفا نمی کند. فراتر از اینها می رود؛ یعنی در واقع به ظاهر کمی عقب نشینی می کند و سپس در میان اعتصاب کنندگان انشقاق ایجاد می کند. و از طرف دیگر جاسوسانی میان کارگران اعتصاب کننده روانه می کند که افتراق را تشدید کند. همچنین برخی از گرایش های خود رژیم به ناگهان پرچم دار مبارزات کارگری می شوند. در هفته پیش ما در میان کارگران نیشکر هفت تپه تمامی این طرفندها را مشاهده کردیم.

تاکتیک های رژیم از قرار زیر بودند: یگان ویژه را به شرکت هفت تپه ارسال کردند و سرکوب ها را دامن زدند. سپس، رهبران اصلی کارگران را دستگیر کردند. اسماعیل بخشی را مورد ضرب و شتم قرار دادند. علی نجاتی را دستگیر کردند و غیره. به سخن دیگر، در گام نخست رژیم می خواهد یا رهبران را بطور فیزیکی از میان بر

میدارد، یا ارباب کرده و زیر فشار روانی و جسمانی و مالی قرار دهد. ترفند بعدی این است که به ظاهر یکسری امتیازات اعطا کند. مدیر کارخانه را عوض کردند شخصی به نام کاظمی که خودش از دست اندکاران این ماجراها و سرکوب ها بوده را به جای مدیر سابق آورده اند، با این هدف خواسته اند به کارگران نشان دهند که «عقب نشینی» از سوی دولت صورت گرفته است تا برخی از کارگران اعتصابی به سر کار بازگردند. همزمان جاسوسان و خائنینی به مثابه «اعتصاب شکن» میان کارگران روانه می کنند. در هفته اخیر ما تمام این طرفندها را از سوی رژیم مشاهده کردیم.

تاکتیک های کارگران

اما از سوی دیگر، مشاهده کردیم که خود کارگران نیشکر هفت تپه یک سلسله دستاوردها ی مهمی داشته اند. تداوم این دستاوردها در دوره آتی می تواند کارگران را در موقعیت محکمتر و منسجمتر قرار دهد. یکی از دستاوردهای اصلی کارگران نیشکر هفت تپه امر «سازماندهی» بوده است. سخنگویان و رهبران کارگران هفت تپه بسیار مجرب و حساب شده در این دوره سازماندهی کردند. حداقل در عرض این یک سال گذشته، سخنرانی های اسماعیل بخشی کاملاً سنجیده و آگاهانه بوده است. به درستی از مطبوعات دعوت شده و تمام سخنرانی ها رسانه ای شد (تصادفی نبود که رژیم به انتقام از رسانه ای شدن سپیده قلیان را از دل تظاهرات بیرون کشیده و دستگیرش کرد). اینها تجارب نوینی است در جنبش کارگری که در پیش مشاهده نشده است. زنان کارگر هم در سطح رهبری و سخنگوهای اصلی قرار گرفتند، این هم به نوبه خودش اولین بار است در جنبش کارگری مشاهده می شود.

از همه مهمتر اتحاد کارگران است. این هم یک امری است که در این یک سال آموخته شده؛ در پیش به این شکل نبود. اول اینکه اتحاد در میان خود خانواده ها صورت گرفت. اعضای خانواده ها غیر مستقیم درگیر و داوطلب کمک رسانی به پیشبرد اعتصاب شدند. شبکه هایی ایجاد کردند که غذا درست می کردند. آشپزخانه هایی ایجاد کردند و غذا را به کارگران اعتصابی میرساندند که کارگران بتوانند اعتصاب و اعتراضات خود را ادامه دهند. در شوش مشخصاً و مهمتر از همه اتحاد بین کارگران در منطقه اتفاق افتاد. سال پیش چنین نبود. اکنون می بینیم اعتصاب کنندگان فولاد اهواز در حمایت از کارگران هفت تپه بیرون آمدند و شعار «اتحاد» میدهند. اتحاد گسترده شد. دانشجویهای اکثر شهرهای ایران از کارگران هفت تپه حمایت کردند. برخی از وکلا و معلمان، و همچنین سایر اقشار جامعه از اعتصاب هفت تپه باخبر هستند. هزاران نفر امضاء جمع کردند و در سطح بین المللی هم تبلیغات زیادی شده است، از جمله فعالیت های « کارزار بین المللی شاهرخ زمانی» توجه متحدین بین المللی کارگران هفت تپه را جلب کرد. البته این حمایت ها باید ادامه یابند.

اما در عین حال یکسری نکات مشخصی هست که امروز بر اساس همین اتفاقات چند روز گذشته میتواند انجام پذیرد. برای نمونه بر اساس تجارب تاریخی، زمانی کارگران اعتصاب و اعتراض کننده توسط پلیس و جاسوسان مورد تهاجم قرار می گیرند، کمیته های مخفی دفاع- از خود، تشکیل می دهند. هدف این کمیته ها حمایت از تظاهراتشان است که اجازه ندهند تظاهرات و تجمعات آنها توسط عوامل رژیم به هم ریخته شود. همچنین لازم است کمیته های مخفی تحقیقات و افشای جاسوسان رژیم که میان کارگران رخنه کرده اند شکل گیرد. اسم و رسم و منزل آنها و غیره باید کشف و افشا شود، که همه بدانند این جاسوسان چه کسانی هستند. از سوی دیگر، مصمم و محکم ایستادن با هر ابزار لازم از ضروریات مقابله با جاسوسان است. جاسوسان باید درس عبرت بگیرند.

مطالبات کارگران

در حوزه مطالبات در مقابل کارگران دو گزینه عمومی قرار گرفت:

اول، خصوصی سازی

دوم، دولتی سازی

خصوصی سازی ها

کارگران نیشکر هفت تپه در مردود اعلام کردن «خصوصی سازی» ها متفق القول هستند. تمام کارگران اعتصاب کننده بر این اعتقاد هستند که خصوصی سازی ها باید کنار رود. البته قابل ذکر است که «خصوصی» سازیها و «دولتی» سازی ها در کشورهای اروپایی نیز صورت می گیرد. سرمایه داری برای سودآور کردن کالاهای تولید شده از شیوه های مختلفی استفاده می کند، گاه از خصوصی سازی استفاده می کند، مثلاً دوران مارگرت تاچر ۱۹۷۰ به بعد، ما شاهد سیاست های نئولیبرالیستی که متکی بر خصوصی سازی های حتی در حوزه وسایل ترانسپورت، آب،

برق می شد، بودیم. در این دوران در بسیاری از کشورهای اروپایی این تحولاتی ایجاد کرد. از سال ۲۰۰۸ این سیاست ها با بحران عمیق روبرو شد و به بن بست رسید.

اما، در ایران آنچه ما شاهدش بودیم هیچگاه «خصوصی سازی» به مفهوم سرمایه داری متعارف نبوده است. مدیران و رؤسا و سرمایه داری که بخش خصوصی را پوشش داده اند یک عده افراد دزد و کلاش و حقه باز بوده اند. دولت برای رفع مسئولیت از خود و خدمت به باندهای مافیایی این آقازاده ها را با پرداخت وام های کلان بر مصدر امور قرار داد. هدف این آقازاده هم به هیچوجه رشد بارآوری کار و تولید تکامل یافته تر و بهبود وضعیت کارگران نبود. از اینرو خصوصی سازی از سوی کارگران کاملا مردود اعلام شده و به حق در شعارها و مطالباتشان خط بطلان بر «خصوصی سازی» کشیدند.

دولتی سازی ها

نکته بعدی در مورد دولتی سازی کارخانه است.

در مورد «دولتی سازی» دو گزینه وجود دارد که اسماعیل بخشی در آخرین سخنرانی ۱۷ آبان ۱۳۹۷ (پیش از دستگیری اش) به روشنی به این دو گزینه اشاره کرد.

اول، از آنجایی که خود کارگران تخصص و تجربه کافی و آشنایی لازم داشته، باید خود، کنترل تولید و توزیع را در دست خود بگیرند، یعنی کل کارخانه را تحت نظارت و کنترل خودشان قرار دهند. تولید کنند و بفروشند و پول را هم بصورت برابر بین خودشان تقسیم کنند. اسماعیل بخشی در این سخنرانی اعلام کرد موافق این گزینه است.

دوم، گزینه ی «دولتی سازی» (از صفر تا صد تحت نظارت منتخبین کارگران).

قابل ذکر است که در این مطالبه دولتی سازی (حتی تحت نظارت کارگران) تناقض آشکاری وجود دارد. بر اساس همین تجربه یک سال گذشته که اسماعیل بخشی در سخنرانی اش به آن اشاره می کند «...من به عنوان نماینده شما با وزیر، استاندار، فرماندار، سازمان اطلاعات، نمایندگان استان، نمایندگان شهرستان، از طرف همه شما صحبت کردیم. منتها علیه سخنان آنها که حمایت از سرمایه داران است... دولت هم در این موضوع مقصر است و می بایست خود دولت محکوم شده و به ما غرامت بپردازد. و به کارگر هفت تپه پاسخ دهد.»

او مشخصا میگوید که «ما نمایندگان» از طرف شما کارگران رفتیم مذاکره کردیم، کارفرما ها و نماینده گان دولت و تمام مدیران را دیدیم و دولت را به عنوان قاضی قبول کردیم که مسائل ما را حل کند ولی ما در عمل فهمیدیم که این دولت در واقع خود نماینده ی همین افراد فاسد و مدیران است و خود دولت اینها را سر کار آورده، و هیچ چیزی راجع به آنها نمی گوید و آنها را افشا نمیکند.

در نتیجه، این ارزیابی بسیار مهمی است که باید خود کارگران نیشکر هفت تپه به آن توجه کنند. این نظر از طریق یک تجربه عملی یکساله کشف شده و نه در تئوری و نظریه ی یک عده ای مارکسیست، مبنی بر این که دولت در واقع دولت سرمایه داری و نماینده سرمایه داران و مدیران است، و حافظ منافع کارگران نیست. زمانی کارگرانی شعار میدهند که هفت تپه «دولتی شود»! حتی با نظارت کارگران، چنانچه دولت این را بپذیرد (که به نظر من هرگز نخواهد پذیرفت)، عملی نیست! زیرا در بهترین حالت این توافق بر اساس قوانین و قواعد بین المللی صورت خواهد گرفت. سه جانبه گرایی اعمال میشود. یعنی یک نماینده از دولت یک نماینده از مدیران و یک نماینده از کارگران با هم مشورت می کنند و تصمیم می گیرند. اینجا کارگران اسیر همان مدیران و دولت خواهند بود. در رأی گیری در صورت بروز اختلافات، نماینده های کارگران «یک به دو» در اقلیت قرار می گیرند. به سخن دیگر، چهار هزار کارگر یک رأی دارند. نماینده مدیران که سه نفر آقازاده هستند یک رأی و نماینده دولت هم یک رأی. این رابطه واضح است که غیر عادلانه است. سه جانبه گرایی یک فریب است و نباید مورد پذیرش کارگران قرار گیرد (حتی اگر دولتی سازی را دولت بپذیرد). ضمن اینکه حملات اخیر دولت به کارگران نشانه اینست که قصد حمایت از خصوصی سازی و وضعیت موجود را دارند! بنابراین کسانی که این شعارها دولتی سازی در واقع مواضع مماشات جویانه خواهد گرفت (حتی چنانچه مماشات جو نباشند). به عبارتی این موضع تسلیم طلبانه است. زیرا این امری نیست که عملی شود و امری نیست که اصولاً لحاظ قانون خود نظام جمهوری اسلامی قابل قبول باشد. از نقطه نظر منافع دراز مدت کارگران این شعار منتفی است. بنابراین، مطالبه خود اسماعیل بخشی است که قابل تأمل اجرا است. تمرکز اصلی کارگران اعتصاب کننده اگر قرار است خواهان تغییر مناسبات کنونی باشد و دستاوردهایی داشته باشد، باید پذیرش موضع اسماعیل بخشی یعنی کنترل کارگری، باشد.

مفهوم مطالبه کنترل کارگری

برخی تصور میکنند که «کنترل کارگری» یعنی عده ای کارگر می آیند و کنترل کارخانه را به دست میگیرند و بعد مسائل برای همیشه مرتفع میشود. باید توجه شود که ساختن جزیره ایده آل در درون جامعه سرمایه داری غیر عملی است. ساختن یک شرایط ایده آل در یک کارخانه غیر ممکن است. این نوع عقاید در میان آنارشیست ها محبوبیت

دارد. مفهوم کنترل کارگری از دیدگاه مارکسیستی باید کاملاً روشن باشد. کنترل کارگری سنتاً در دوران پس از انقلاب سوسیالیستی مطرح می‌شود. یعنی زمانی که انقلاب کارگری تحقق می‌یابد و جامعه وارد یک دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم میشود. در این دوران گذار، دولت شوراهای کارگری به قدرت میرسد، اما کماکان مجموعه طبقه کارگر آمادگی برای مدیریت ندارد، زیرا تجربه کافی و تخصص لازم در تمام حوزه‌ها هنوز توسط جمیع کارگران کسب نشده است. بنابراین، در دوره انتقال از سرمایه داری به سوسیالیسم برخی از مدیران یا سرمایه داران کوچک حتی برخی از کارخانه‌ها برای دوره‌ای باقی میمانند، اما، تحت کنترل و نظارت مستقیم دولت کارگری. این مفهوم کنترل کارگری از دیدگاه مارکسیستی است. اما در دوران پیش از انقلاب سوسیالیستی، شعار «کنترل کارگری» نیز مطرح می‌شود. در واقع، اساس طرح این مطالبه ایجاد اعتماد به نفس در درون طبقه کارگر است. این مطالبه‌ای است «انتقالی» به این مفهوم که امر تحقق آن در چارچوب نظام سرمایه داری غیر عملی است و تحقق آن نظام سرمایه داری را در موقعیت فروپاشی قرار خواهد داد. در واقع انقلاب اتفاق رخ می‌دهد. چنانچه کنترل کارگری در یک کارخانه و در انزوا تحقق پیدا کند حتی برای یک روز، این امر به کسب اعتماد به نفس در میان کارگران منجر می‌شود. جامعه سرمایه داری همواره تقسیم کار بین کار پیدی و فکری را تمایز قایل می‌شود. نظریه پردازان سرمایه داری استدلال می‌کند کارگران قابلیت و نیازی به فکر کردن ندارند، کار فکری متعلق به «از ما بهتران» است (روشنفکران و متخصصان و کاردان‌ها و غیره). این نوع برخورد در میان گرایش‌های سیاسی چپ و کمونیست هم دیده می‌شود. افرادی که تصور می‌کنند کارگران «بی سواد» و «کم عقل» اند و روشنفکران در اتاق‌های دربسته قابلیت تصمیم‌گیری برای آنها را دارند (زیرا چند کتاب خوانده و ترجمه کرده‌اند اینها «نخبه‌گرایان» بی ارتباط به کارگران هستند. این برخوردهای کاذب و ایدئولوژیک متأسفانه در سطح جامعه حتی میان خود کارگران هم تأثیر می‌گذارد. یعنی برخی از کارگران و زحمتکشان به این باور می‌رسند که مَنجیبانی باید به جای آنها تصمیم بگیرند. طرح و تلاش برای تحقق مطالبه کنترل کارگری این آگاهی کاذب جامعه سرمایه داری را مورد سؤال قرار می‌دهد. کارگران در عمل نشان می‌دهند که سازماندهی‌های خوبی هستند و خودشان قابلیت به دست گرفتن امور را دارند. کارگران نیشکر هفت تپه در یک سال گذشته این را در عمل به اثبات رساندند که حتی خودشان می‌توانند مدیریت کارخانه را بدست گیرند. این امر محققاً اعتماد به نفس در میان آنها را تقویت می‌کند. تجربه تا کنونی هفت تپه یک تجربه غنی است برای تکرار آن در کارخانه‌های دیگر یا موارد دیگر.

بنابراین طرح مطالبه «کنترل کارگری» بیشتر جنبه روانی آن مهم است. برخی استدلال می‌کنند که از آنجایی که کنترل بر کارخانه توسط کارگران عملی نیست پس نباید این شعار را طرح کرد. می‌گویند امکان برقراری کنترل کارگری در یک کارخانه کنترل کارگری وجود نداشته و سرمایه داری اجازه نخواهد داد. بله درست است، سرمایه داری اجازه نخواهد و یا حرکت‌ها را سرکوب خواهد. اما جوانب روانی آن مهم است. در درون طبقه کارگر که یعنی خنثی سازی ایدئولوژی هیئت حاکم مبنی بر اینکه گویا فقط روشنفکران و نخبگان، مهندسين و دکترا و یا وزرا و کابینه و دولت سرمایه داری قادر است تصمیمات کارگری را بگیرد را مورد سؤال قرار میدهد! و نشان میدهد خیر! کارگران خودشان می‌توانند این کارها را انجام دهند. تجربه بسیار کوتاه اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه این موضوع را برجسته کرد. طرح شعار کنترل کارگری از این زاویه برای ما مهم است نه به این علت که به آن توهم داشته و یا تصور می‌کنیم که داریم گویا در یک کارخانه می‌تواند سوسیالیسم ساخته شود. طرح این مطالبه و مبارزه در راستای تحقق آن عمدتاً اعتماد به نفس در میان کارگران اعتصاب‌کننده را تقویت می‌کند. اینها عموماً درس‌هایی هستند در سطح سازماندهی و در سطح سیاسی که تا این مقطع خاص میتوان از این تجربه ارزنده گرفته شود.

فعالیت‌های حمایتی از کارگران

گرایش مارکسیست‌های انقلابی ایران، در سطح بین‌المللی امر دفاع از اسماعیل بخشی (و سایر همراهانش) را یکی از کارهای مرکزی اش تلقی کرده و از طریق «کارزار بین‌المللی شاهرخ زمانی» در حمایت از کارگران زندانی در کشورهای مختلف سخنرانی‌ها و گزارش‌هایی به زبان‌های مختلف سازمان داده است.

در ایران نیز در «کمیته اقدام کارگری ایران» فعالیت مستمر در میان کارگران هفت تپه و سایر شهرها داشته است. کمیته اقدام کارگری توسط برخی از فعالان کارگری و روشنفکر کارگران بر محور برنامه اقدام کارگری سازمان یافته تا وظایف حمایتی از کارگران را انجام دهد. کمیته اقدام کارگری ایران که بیش از یک دهه پیش در ایران پی ریزی شد و در ادامه فعالیت‌های یکی از همکاران برجسته آن رفیق شاهرخ زمانی بوده که تا آخرین روزهای حیاتش با این کمیته همکاری نزدیک داشته است. این کمیته به شکل پیگیر و مستمر در میان کارگران پیشرو به فعالیت‌های ضد سرمایه داری و حمایت از زندانیان سیاسی ادامه داده است. نشریه «کارگر پیشتاز» به پیشنهاد و پیگیری رفیق شاهرخ زمانی در اوایل دوره حیات خود از درون زندان رژیم، طرح شد. این نشریه به مثابه ارگان سازماندهی کمیته اقدام کارگری ایران جهت انتقال و تبادل نظر با پیشروان جنبش کارگری منتشر می‌شود.

این کمیته همچنین با کارزار بین‌المللی شاهرخ زمانی هماهنگی‌هایی در راستای جلب حمایت بین‌المللی از کارگران ایران اقدامات مؤثری در حمایت از کارگران ایران انجام داده است.

کمیته اقدام کارگری از تمامی روشنفکر-کارگران و کارگر-روشنفکران دعوت می کند که برای سازماندهی جنبش کارگری و تدارک ایجاد حزب پیشتاز کارگری همراه با رهبران عملی کارگران به این کمیته بپیوندند. برای تماس گیری با کمیته اقدام کارگری با نشانی تلگرام تماس بگیرید:

 Komitehe1Eghdam